

مقدمه

علی‌نامه^۱ کهن‌ترین منظومه حماسی شیعی شناخته شده از نیمه دوم قرن پنجم هجری است، و موضوع آن جنگ‌های جَمَل و صِفّین، و مناقب و معجزات و کرامات حضرت علی(ع) است، که شاعری شیعه اثنی عشری، به نام ربیع، آن را در بیش از یازده هزار بیت، در بحر متقارب مَثَمَّن محذوف (مقصور) سروده، و در ماه ذی‌حجه سال ۴۸۲ هجری به پایان آورده است.

دستنویس منحصر به فرد علی‌نامه متعلق به کتابخانه موزه قونیه (ترکیه) است. کتابت این نسخه در اواخر قرن ششم و یا قرن هفتم و هشتم حدس زده شده (نک. علی‌نامه ۱۳۸۸: بیست و سه؛ هشتاد و هشت). نام کاتب و ماه و روز اتمام نسخه (پنجشنبه، هفتم ماه رمضان) در ترقیمه چنین است:

«تم الكتاب بعون ملك الوهاب في يد العبد الضعيف محمود^{محمد} بن مسعود المقدم التستري في يوم الخميس سابع شهر رمضان».

۱. این منظومه را نخستین بار آقای احمد آتش شناسانید (نک. نشریه دانشکده ادبیات تبریز، س ۷، ش ۲، آبان ۱۳۳۴، ص ۲۴۱-۲۴۲)؛ و استاد محترم - دکتر شفیع کدکنی - مجدداً آن را در مقاله‌ای نسبتاً مبسوط، معرفی کرد. (نک. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۴۲۵-۴۹۴؛ علی‌نامه (منظومه‌ای کهن) ۱۳۸۸: ده - هفتاد و پنج؛ علی‌نامه (منظومه‌ای کهن) ۱۳۸۹: ۹۳-۱۷۶).

چاپ عکسی منظومه علی‌نامه، با مقدمه دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، و محمود امید سالار، به همت مرکز پژوهشی میراث مکتوب، و با همکاری نهادهای دیگر، در هشتاد و هفت، ۶۲۵، ۱۲ ص، به نحوی مطلوب، در سال ۱۳۸۸، و چاپ حروفی رایانه‌ای آن نیز، با تصحیح رضا بیات و ابوالفضل غلامی، با مقدمه‌ای نسبتاً کوتاه و نمایه‌ها، به کوشش مجدد میراث مکتوب، در چهل و چهار، ۵۷۳، ۸ ص، در سال ۱۳۸۹ انتشار یافت.

شاعر منظومه - ربیع - در چند جای کتاب به اسم علی‌نامه و نام خودش اشاره کرده است:

مر این قصه را این سراینده مرد ز مهر دل خود علی‌نامه کرد / ب ۹۳
 ز نثرش به نظم آوریده ربیع به ماه فرودین به فصل ربیع / ب
 و در ابیات پایانی علی‌نامه تاریخ ختم آن را نیز گفته است:
 چو آمد به سر نظم این سعد فال دو و چارصد بود و هشتاد سال [۴۸۲=] ب ۱۱۲۰۹
 ربیع در همین ابیات پایانی، از منظومه دیگری بعد از این منظومه
 خبر می‌دهد، که درباره جنگ نهروان (جنگ خوارج با حضرت علی(ع))
 خواهد سرود:

چو بردم به سر حرب صفین ز نظمی پسندیده^۱ خاص و عام
 سخن گویم از نهروان زین سپس اگر ماندنم زنده ایدون نفس^۲
 ب ۱۱۰۸-۱۱۰۷

ربیع شیعه معتقد و متعصبی است که نغز بودن شاهنامه، و دلبستگی مردم را به آن، به سبب داستان‌های دروغین آن می‌داند:
 اگر چند شهنامه نغز و خوش است ز مغز دروغ است از آن دلکش است / ب ۹۴

۱. در نسخه: سندنده و

۲. این دو بیت در نسخه و در متن چاپی برعکس آمده است.

وی با وجودی که جای جای از شاهنامه و هواخواهان آن انتقاد کرده و شاهنامه فردوسی را «مغنامه» و علی‌نامه را شاهنامه حقیقی خوانده است:

که مغ‌نامه خواندن نباشد هنر علی‌نامه خواندن بود فخر [و] فر / ب ۲۹۷۹

حکیمان فاضل بدانند این که مغ‌نامه آن است و شهنامه این / ب ۲۹۹۱

به تمامی از شاهنامه تقلید کرده و سبک زبان و بیان او (تعبیرات، تصویر آفرینی، تشبیهات) بر پایه شاهنامه و متأثر از آن است، و گهگاه نیز شخصیت‌های منظومه‌اش را با پهلوانان و بزرگان شاهنامه سنجیده است:

شجاعی که از گیو و اسفندیار به مردی بدی بیش در گیر و دار / ب ۷۹۵۹

شاعر در «مجلس چهارم از حرب صفین» (ب ۴۸۲۰-۴۸۲۴) پهلوان و جنگ‌آور حقیقی را حضرت علی (ع) می‌داند، نه رستم، و بر این گفته فردوسی، که رستم را یگانه دلاور در جهان خوانده:

جهان‌آفرین تا جهان آفرید سواری چو رستم نیامد پدید

(فردوسی ۱۳۸۶: ۱۲۶/۲)

اعتراض دارد و در جواب فردوسی می‌گوید:

جهان‌آفرین تا جهان آفرید چو حیدر سواری دگر ناورید / ب ۴۸۲۲

ربیع منظومه‌سرای متوسطی است که ابیات درخشانی در شعرش خلق نشده و آن عده از اشعار او که در خور توجه و قابل تأمل است، آنهایی است که از شاهنامه تقلید شده، آن هم به طور ناشیانه و در غیر جایگاه خود. از آنجایی که شاعر نمی‌توانسته در شرح حوادث منظومه‌اش، در بسیاری از ابیات، تقلید صرف از بافت‌روایی وقایع ایران باستان در شاهنامه داشته باشد، اجباراً طبع ناپاییده شاعری خود را به کار گرفته، و در نتیجه شعرش به ضعف گراییده است.

۱. این مصراع در نسخه عکسی و متن چاپی چنین است: که شهنامه آن است و مغ‌نامه این

وی در بسیاری از موارد، برای قافیه‌سازی در مصراع دوم بیت، کلماتی مانند بی‌مگر، پُردلی، خاص و عام، شاد، وفا، هوس و غیره را دهها بار، به مورد و بی‌مورد به کار برده و در نتیجه به سبب همین قافیه‌سازی و ساخت مصنوعی مصراع دوم، برای پُر کردن وزن، که چاره‌ای از آن نداشته، به تتگنا و پریشان‌گویی افتاده. البته این‌گونه قافیه‌سازی‌ها، در مصراع دوم بیت، به سبب ماهیت عروض سنتی، در شعر شاعران بزرگی مانند فردوسی و مولوی نیز دیده می‌شود.

در این‌جا، به نمونه‌ای از ابیات سست ناظم علی‌نامه، که به جز چند بیت، زیر تأثیر شاهنامه نبوده و بیشتر به علت قافیه‌سازی و کامل کردن مصراع دوم بیت، ساخته شده، اشاره می‌شود:

حمیرا ز گفتارشان شاد شد	به بیهوده‌گویی چو فرهاد شد / ب ۴۸۶
دل مرد فرجام‌جوی از جهان	بود چون ملخ هر زمان جَه جهان / ب ۶۳۷
از این رای رُسته شود عیب‌ها	شود پُر ز نامردمی جیب‌ها / ب ۱۱۹۳
پدیدار شد گفتهٔ مصطفا	سر ناکتین بشکفید از جفا / ب ۱۲۸۲
ز بس بانگ بوق و صهیل فرس	تو گفتی زند تند تندر نفس / ب ۱۳۴۵
و بر میسره طلحه همچون جماد	بیستاده احمق چو آن کیقباد / ب ۱۳۷۶
چو شد تتگ دشمن ز حمیت بغل	به شمشیر بگشاد و زد بی دغل / ب ۱۵۲۱
از آن پس بگفت ای خداوند لاف	تو ایدون نه لافی دگر بر گراف / ب ۱۵۲۳
چو شب رایت قیرگون برگشاد	نهان گشت خورشید با دین و داد / ۱۷۱۴
ز جان شد بری ابن طلحه چو باد	به بصره درون شد و جان را بداد / ۱۸۰۴
چو با این لعینان سخن سود نیست	ازین تیره‌تر در جهان دود نیست / ۱۸۶۴

بدین بر فکنده به یکباره عشق / ۲۷۴۳	رسید او بدان سان به شهر دمشق
چنان شد که مخمور سه روزه خمر / ۲۷۶۶	چو بشنید گفتار طرمّاح عمر
که همچون ملخ هستی از دین جهان / ۲۹۵۲	ترا شرم باد از خدای جهان
ز فتراک بگشاد پیچان کمند / ۱۱۴ پ	به لعب و به داستان و تلیس و بند
به تن بهتر از جان خرد در خورست / ب ۷۶۸۶	خرد شمع جانست و جان پرورست
نگارنده هر سپیده و سیاه / ب ۷۷۰۱	به نام خداوند خورشید و ماه
بمانده سست گشته غراب / ب ۸۷۳	همی رفت آن روز از ترس و تاب
عفو کرد و در خورد خلعت بداد / ب ۱۰۴۳۱	امام هدی هر دوان را چو باد
چو از حق به بیهوده هستی جهان / ب ۱۰۴۹۵	ترا شرم باد از خدای جهان
چو فرهاد پیوسته رنجور باش / ب ۱۰۴۹۶	ولیکن تو از ما کنون دور باش

منظومه علی‌نامه بر پایه دو محور اصلی و تاریخی جنگ جمل و صفین و خطوط فرعی و جانبی دیگر است، و روایت و شرح آن‌ها طبعاً باید مطابق رسم و عادات و فرهنگ عرب باشد، ولی از آنجایی که ربیع شیوه بیان و کلام شاهنامه را در نظم اثر خود به کار گرفته، مجبور شده تا راه و رسم و فرهنگ ایران کهن را جایگزین آداب و رسوم اعراب مسلمان کند، و از حقیقت‌پنداری جنگ‌ها و وقایع بکاهد، مثلاً استقبال مردم بصره را از عایشه چنین گفته است:

ز شادی به یکباره آن بصریان پذیره شدندشان هم اندر زمان
چو پیدا شد آن هودج از دور در بر او بر فشاندند زرّ و گهر / ب ۸۹۵-۸۹۶

و یا در توصیف هودج عایشه و نشستن او در آن:

یکی هودجی بد بدان عسکرش که از سرخ یاقوت بود افسرش
 فرو هشته گردش حلی از سطب به گوهر مرصع به رنگ رطب
 حمیرا برون آمد از خیمه پس چو قیصر نشستش بدو در هوس

/ ب ۱۲۷۳-۱۲۷۵

در حالی که شکل و شمایل هودج عایشه در الفتوح (اعثم کوفی ۱۳۸۲:۴۲۵) چنین وصف شده:

«از آن طرف عایشه بیرون آمد، در هودجی نشسته و آن هودج را بر شتری عسکر نام نهاده ... و آن هودج هودجی بزرگ بود که از چوب ساخته بودند و میخ‌های آهنین بر او زده و پوست شتری در او کشیده و بر زبر او جامه‌های نیکو پوشیده و علم اهل بصره بر آن شتر نهاده».

ربیع با وجودی که جای جای از حقیقت‌گویی خود و درستی وقایع در علی‌نامه سخن گفته است، در مواردی مشاهده می‌کنیم که به ماجراها و موضوعات و افرادی اشاره کرده که در منابع موثق نیامده و واقعیت تاریخی ندارد، مثلاً ماجرای بر خر سوار شدن معاویه و رفتن او به نزد حضرت علی(ع)، با چند تن از پیران، برای زنه‌ار خواستن از او، به توصیف عمر و عاص (نک. ص ۴۷۱-۴۷۵).

شاعر در واقع، در نقل وقایع، بر پایه حقایق تاریخی، روایات مردمی را نیز با آن‌ها آمیخته و نوعی نظم تاریخی - مردمی را، که مناسب مجالس مناقب‌خوانی و تقالی بوده، ارائه کرده است.

به نظر می‌رسد که سکوت چند صد ساله این اثر و عدم استقبال از آن، به دارا نبودن ویژگی‌های هنری آن و خاموش شدن مجالس مناقب‌خوانی بازمی‌گردد.

دستنویس منحصر به فرد علی‌نامه بسیار مغلوط است و ضعفهای نگارشی آن

به این شرح است:

- اغلاط املائی

- تصحیفات و تحریفات
- پس و پیش نویسی کلمات
- تکرار
- نقطه‌گذاری‌های نادرست
- دور و نزدیک نوشتن حروف
- نادرست بودن نام بعضی از اشخاص
- عیوب وزن و قافیه، که تعدادی از آن‌ها به سبب خطاهای کاتب به وجود آمده است.

نوع اغلاط این دستنویس، یعنی تشابه آوایی کلمات در مقایسه با صورت درست آن‌ها، نشان می‌دهد که این منظومه یا به کاتب اصلی املا می‌شده و یا در مجالس مناقب‌خوانی بر روی اوراق پراکنده‌ای ثبت و بعداً از روی آن اوراق به صورت کتاب بازنویسی و تدوین شده است، و به همین جهت کاتب که شخص کم‌سوادی بوده، تلفظ عده‌ای از کلمات املاکننده و یا راوی را مطابق شنود و درک خود، به صورت درست و غلط ضبط کرده و ابیاتی را نیز انداخته و کم و زیاد کرده و پس و پیش نوشته است.

یکی از مصححان علی‌نامه - آقای رضای بیات - نیز به درستی در مقدمه کتاب (ص سی‌ونه) نوشته است:

«مسلماً بخش عمده‌ای از منظومه بر او املا می‌شده و خطاهایی هم در شنیدار دارد که اصل کلمه را باید از روی آهنگ آن چه موجود است بازشناخت.

در ذیل به تعدادی از این‌گونه خطاهای شنیداری کاتب اشاره می‌شود:

شماره بیت	شکل درست	شکل نادرست
۴۰۴	تعب	طرب
۷۲۷	نرم	گرم

۷۲۷	سخت	سرد
۸۳۵	حواب	حرب او
۲۹۴۶	سان	زان
۳۶۹۶	راعی	راوی
۴۳۵۹	مردار	بردار
۴۷۶۴	عامری	حامری
۴۹۸۱	یمین	کمینه
۵۰۲۸	عیان	امام
۵۱۵۶	هم	غم
۵۳۰۳	سندان	زندان
۶۲۹۷	غمام	غمان
۸۷۲۴	قعر	قهر
۹۷۷۷	بکند	بکرد
۹۷۸۳	کرب	طلب
۱۰۴۳۱	در خورد	در خلد

مصحّحان نسخه منحصراً به فرد و مغلوط علی‌نامه در تصحیح این متن کوشش فراوان کرده و در خوانش و پی بردن صورت درست تعداد بسیاری از ابیات موفق بوده‌اند، ولی به سبب منحصراً به فرد بودن نسخه و مغلوط بودن آن، طبعاً مواردی از نظر آنان پنهان مانده است. تصحیح این منظومه از نظم و ترتیب خاصی پیروی نمی‌کند و یکدست نیست، به عنوان مثال:

- در بعضی موارد اغلاط نسخه در متن اصلاح شده ولی صورت غلط در حاشیه نیامده است؛

- بعضاً همان ضبط نسخه در متن آمده ولی در حاشیه ضبط دیگری ذکر شده؛

- گاه ضبط نسخه نادرست خوانده شده و در حاشیه آمده و ضبط دیگری در متن آورده شده؛
- در مواردی افزوده‌ها در قلاب گذاشته شده و در مواردی بدون قلاب آمده است؛
- در برخی موارد کلمه‌ای که در نسخه خوانا است، در متن کلمه‌ای دیگر به جای آن آمده است...

نگارنده پس از انتشار نسخه عکسی علی‌نامه یک بار آن را خواند و درباره خوانش و تحریفات تعدادی از ابیات و کلمات آن، نکاتی را در حاشیه کتاب یادداشت کرد و مجدداً چاپ حروفی و تصحیح شده آن را با نسخه عکسی مقابله کرد. مقاله حاضر نتیجه این بررسی است. در این مقاله همه نکات و نظرات را درباره مقدمه مصححان و متن و حواشی کتاب و نمایه لغات، نیاورده‌ایم. همچنین صورت صحیح تعدادی از ابیات بر نگارنده معلوم نشد و برخی از پیشنهادات در این مقاله نیز می‌تواند درخور تأمل باشد و یا اساساً صائب نباشد.

در ابتدای این گفتار، چند نکته‌ای را نیز در مورد مقاله ارزشمند استاد محترم، جناب آقای دکتر شفیعی کدکنی، با نام «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، یادآوری کرده‌ایم.

نگارنده از استاد دانشمند، جناب آقای دکتر علی اشرف صادقی، و همکار فاضل، جناب آقای ابوالفضل خطیبی، و همچنین جناب آقای دکتر حامد نوروزی، که این مقاله را خوانند و راهنمایی‌های ارزنده‌ای کردند، بسیار سپاسگزار است.